

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والننتین کاتاسانوف* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا. م. شیری

۲۷ اکتوبر ۲۰۲۴

پیشگویی هنری کیسنجر در باره اسرائیل



[به عنوان یک پژوهشگر، که تقریباً تمام عمرم را به مطالعه و تحقیق، نوشتن و ترجمه صرف کرده‌ام، به تحقیق و مسؤولانه می‌گویم که انکار یا رد توطئه، خودش یک توطئه است برای بستن زبان‌ها و شکستن قلم‌ها! از قضاء توطئه، تبنانی، دسیسه استخوان‌بندی سیاست جباران را تشکیل می‌دهد. تنوری توطئه را اتاق‌های فکر غربی- صهیونیستی برای دفاع توطئه‌گران ابداع کرده‌اند. توطئه چیزی نیست جز پنهان کردن هدف اصلی در پشت یک طرح یا برنامه عوامفریبانه مثلاً دموکراسی، حقوق بشر! و همچنین، مبدع «یهودستیزی» نیز همان اتاق‌ها هستند! برای بیان دقیق‌تر، سؤال می‌شود: مثلاً، چرا روس‌ستیزی جرم نیست، اما یهودستیزی جرم است؟ بگذریم از این که من شخصاً با هر شکل ستیز مخالفم.] - شیری

این که اسرائیل از آشفتگی کنونی جان سالم به در خواهد برد یا نه، یک سؤال بزرگ است.

هنری کیسنجر، پدربزرگ ژئوپلیتیک جهان، در سال ۲۰۱۲، طی یک اظهار نظر تکان‌دهنده گفت: «۱۰ سال دیگر اسرائیل وجود نخواهد داشت». اظهار نظر کوتاه این ژئوپلیتیک با هیچ واکنشی مواجه نشد. این گفته وی از این منظر بسیار تکان‌دهنده است که او از لحاظ ملیت یهودی بود. به نظر می‌رسد، کیسنجر به عنوان یک یهودی، مجبور بود به هر کار ممکن و غیرممکن دست بزند تا اطمینان حاصل کند که اسرائیل نه تنها زنده می‌ماند، بلکه به تقویت خود ادامه خواهد داد. قابل ذکر است که اظهارات پدربزرگ سیاسی بی‌طرفانه بود. اظهار نظر او به گفته برخی از اخترشناسان

مبنی بر این که ده سال دیگر ستاره‌ای در کیهان خواهد سوخت، شباهت داشت. بی‌غرضی کیسینجر به توانائی دیپلماتیک او در پنهان کردن احساساتش نسبت داده شد.

در طول ده سال پس از این اظهارات کیسینجر، کارشناسان و ژئوپلیتیک‌های مختلف سعی کردند منظور مرجع تقلید سیاسی امریکائی را بفهمند و توضیح دهند. با این حال، برخی‌ها عمداً به این موضوع فکر نمی‌کردند و معتقد بودند که «پدرسالار» سالخورده دیوانه شده است (در سال ۲۰۱۲ و ۹۰ سال داشت). این نسخه پس از انقضای دوره ده ساله از لحظه اعلام «پیش‌گویی» در سال ۲۰۲۲، قانع‌کننده به نظر می‌رسید. زیرا، اسرائیل ماند و به موجودیت خود ادامه داد. اوضاع داخل و پیرامون اسرائیل هیچ تهدید خاصی برای دولت یهود پیش‌بینی نمی‌کرد.

اما یازده سال پس از بیانات طنزین‌انداز کیسینجر، جنگ بین اسرائیل و فلسطینی‌ها آغاز شد. در ابتداء بیشتر رسانه‌ها وقایع اتفاقیه در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ در خاورمیانه را به عنوان یک «حادثه ناگوار»، به عنوان یک حمله تروریستی محلی از طرف حماس و «سهل‌انگاری» از سوی سازمان‌های ویژه و نیروهای مسلح اسرائیل تعریف کردند و این درگیری محلی را می‌توان به سرعت متوقف کرد. اما به عکس، شعله‌های آتش درگیری شعله‌ورتر شد. و پیشاپیش با چشم غیرمسلح قابل رؤیت بود که اسرائیل نه تنها در صدد خاموش کردن آتش نیست، بلکه به عکس، مقدار بیشتری هیزم بر آن می‌افزاید.

امروزه تقریباً هیچ کس تردید ندارد که درگیری مسلحانه در خاورمیانه که اکنون وارد دومین سال خود شده، یک حادثه تصادفی نیست، بلکه یک عملیات کاملاً آماده از سوی اسرائیل است که اهداف گسترده خود را دارد و طبق یک برنامه مشخص در حال گسترش است. رسانه‌های خارجی و روسی هر دو عقیده دارند که آمادگی برای جنگ فعلی، به گفته برخی منابع، ده سال پیش، به گفته برخی دیگر – حتی دو دهه پیش، آغاز شده است.

حتی محاسبه تعداد درگیری‌های مسلحانه بین اسرائیل از یک سو و فلسطینیان و کشورهای عربی همسایه از سوی دیگر دشوار است. جنگ سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۴۹ و جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ (که طی آن اسرائیل سرزمین‌های عرب‌های فلسطین را تصرف کرد)؛ جنگ یوم کیپور ۱۹۷۳؛ جنگ ۱۹۸۲ لبنان (اخراج ساف از لبنان به تونس)؛ جنگ دوم لبنان ۲۰۰۶ بزرگ‌ترین جنگ‌های اعراب و اسرائیل بودند به اضافه عملیات نظامی متعدد اسرائیل در نوار غزه با عناوینی مانند سرب گذاخته (۲۰۰۸-۲۰۰۹). «ستون ابر» (۲۰۱۲)؛ «صخره نشکن» (۲۰۱۴)؛ «کمر بند سیاه» (۲۰۱۹).

البته هیچ یک از این جنگ‌ها و عملیات‌ها برای اسرائیل به طور کلی بدهانتاً نبود. یک سناریوی (الگوریتم) به خوبی توسعه‌یافته از پیش در حال اجراء بود. تقریباً هر درگیری و هر جنگی به معنای واقعی کلمه با تحریک اعراب برای شلیک اولین گلوله آغاز شده است. دولت یهود (معمولاً همراه با امریکا) آن‌ها را هم از نظر سیاسی و هم لحاظ نظامی – فنی از قبل آماده کرده بود. علاوه بر این، امروزه مشخص شده است که مثلاً هنری کیسینجر در تدارک جنگ شش روزه و جنگ یوم کیپور (در مورد دوم، به عنوان مشاور امنیت ملی رئیس جمهور و به عنوان وزیر امور خارجه امریکا) مشارکت فعال داشته است. مرشد سیاسی امریکا به خوبی می‌دانست که اسرائیل چگونه جنگ‌ها را تدارک می‌بیند و به راه می‌اندازد.

مهمترین هدف همه این جنگ‌ها گسترش مرزهای دولت یهود بود. یهودیان گام به گام به سمت یک هدف نه چندان گسترده تبلیغ شده- ایجاد اسرائیل بزرگ حرکت کردند. مفهوم «اسرائیل بزرگ» در آغاز قرن گذشته ابداع شد. این مفهوم در اسناد سازمان جهانی صهیونیسم که در اولین کنگره صهیونیستی که در اگست ۱۸۹۷ در بازل سوئیس تشکیل گردید، ثبت شد. برای تشکیل اسرائیل بزرگ، صهیونیست‌ها ابتداء باید حداقل سرزمینی در فلسطین با وضعیت حقوقی یک کشور یهودی داشته باشند. امروزه مؤرخان بسیاری هستند که از اوج قرن بیست و یکم، معنای بسیاری از

رویدادهای جهانی قرن بیستم، پیش از همه، معنای دو جنگ جهانی را بهتر درک می‌کنند. به عقیده چنین مؤرخانی، به سختی می‌توان نقش صهیونیست‌ها در تدارک و دامن زدن به این جنگ‌ها را کتمان کرد. برای آن‌ها، این جنگ‌ها وسیله‌ای بودند برای ایجاد کشور اسرائیل.

از حیث رعایت انصاف، باید اذعان کرد که برخی از سیاستمداران و ناظران حتی در قرن گذشته این را درک کردند. برجسته‌ترین آن‌ها، داگلاس رید (۱۸۹۵-۱۹۷۶)، روزنامه‌نگار و نویسنده انگلیس بود. او نظر خود را در باره نقش صهیونیست‌ها در برانگیختن دو جنگ جهانی در کتاب «مناقشه بر سر صهیون» بیان کرده است: «۲۵۰۰ سال مسأله یهود» (داگلاس رید این کتاب را در ۱۹۴۹-۱۹۵۶ نوشت. پس از مرگ او، اولین بار در سال ۱۹۷۷ منتشر شد). تصمیم سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ برای تأسیس کشور اسرائیل انگیزه نگارش این کتاب بود. داگلاس رید با درک عمیق تمام نکات این تصمیم، با هوشیاری نوشت که پروژه اسرائیل یک مین در زیر پای تمام بشریت است که جنگ جهانی سوم را تقریباً اجتناب‌ناپذیر می‌کند. پس از انتشار کتاب داگلاس رید، بسیاری‌ها خود نویسنده و آثار او را با کلمات «هشدار»، «تئوری توطئه»، «یهودی‌ستیزی» و غیره توصیف کردند. این کتاب از کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها مصادره و جمع‌آوری شد، ناشران کتاب مورد تهدید واقع شدند...

تقریباً هفت دهه از زمانی که داگلاس کار خود را بر روی این کتاب به پایان رساند، می‌گذرد. اما تمام حوادث پیرامون اسرائیل همانطور که روزنامه‌نگار انگلیس پیش‌بینی کرده بود، در حال توسعه است. در کتاب «مناقشه بر سر صهیون»، من حدود بیست مورد برشمردم که نویسنده با صراحت می‌گوید که تشکیل کشور اسرائیل به جنگ جهانی سوم می‌انجامد. چرا؟ زیرا، صهیونیست‌ها به دنبال ایجاد یک کشور یهودی (کشور اسرائیل) برای حکمرانی بر کل جهان هستند و جهان مقاومت خواهد کرد. صهیونیست‌ها مجبورند برای شکستن مقاومت جهان به زور (از جمله، سلاح هسته‌ای) متوسل شوند. با این حال داگلاس رید گفت که جنگ جهانی سوم عملاً پس از پایان جنگ جهانی دوم و قطعاً پس از ایجاد اسرائیل در سال ۱۹۴۸ آغاز شده است. منتها هنوز به نقطه جوش و مرگبار نرسیده است: «در واقع، جنگ جهانی سوم بلافاصله پس از پایان نبردهای جنگ جهانی دوم آغاز شد و از آن زمان به طور مداوم و پیوسته در ابعاد مختلف، اینجا و آنجا در سراسر جهان گسترش یافته است. فقط جرقه کوچکی از یک طرف لازم است تا آتش جنگ عمومی جدید شعله‌ور شود». داگلاس رید پیش‌بینی کرده بود که مرحله کشتار جمعی ممکن است در پایان قرن بیستم رخ دهد. در اینجا او اشتباه می‌کرد. احتمالاً، حداقل تا حدی، این خطا (و نه بی‌دقتی) را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که مسابقه بی‌پروای صهیونیست‌های شیطان‌صفت برای تسلط بر جهان توسط سیاستمدارانی مانند هنری کیسینجر مهار شد. در قرن حاضر، چنین سیاستمدارانی باقی نمانده است (یا حداقل آن‌ها دیگر بر سر کار نیستند)، از این رو، حرکت به سمت مرحله جوشان و مرگبار جنگ جهانی سوم به شدت شتاب گرفته است.

ظاهراً هنری کیسینجر هنگام بر زبان آوردن جمله «۱۰ سال دیگر اسرائیل وجود نخواهد داشت»، نه بر برخی مکاشفات عرفانی «از عالم بالا»، بلکه بر اطلاعات محرمانه در مورد آمادگی اسرائیل (با کمک امریکا) برای یک جنگ بزرگ تکیه کرده بود. جنگ در خاورمیانه. (لازم به ذکر است که کیسینجر تا آخرین روز زندگی خود در ۲۹ نومبر ۲۰۲۳، به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده کاخ سفید، وزارت امور خارجه و سازمان‌های اطلاعاتی امریکا دسترسی داشت). بعید نیست که در سال ۲۰۱۲، زمانی که کیسینجر حکم خود را در مورد اسرائیل اعلام کرد، او می‌توانست به طور ذهنی بگوید که تا ۱۰ سال دیگر انسانیت وجود نخواهد داشت. اما او از چنین پیشگویی آخرالزمانی خودداری کرد.

زمانی که کیسینجر هنوز یک سیاستمدار توانا بود، سعی کرد خطرات مرگ اسرائیل (و شاید بشریت) را با تعیین مرزهای دقیق کشور اسرائیل با کمک سازمان ملل متحد و قوانین بین‌المللی به حداقل برساند. اما هنوز هم اسرائیل یک کشور بدون مرزهای مشخص باقی مانده است. این واقعیت در دایرةالمعارف الکترونیک یهودی نیز به رسمیت شناخته شده است. قابل توجه این است که مقامات اسرائیلی فقدان خطوط مرزی مشخص کشور را یک مشکل فوری نمی‌دانند. و برخی از حقوقدانان اسرائیلی عموماً معتقدند که قلمرو یک ویژگی اجباری کشور نیست (رجوع کنید به: «قانون اساسی کشورهای خارجی» تحت سردبیری عضو مسؤول آکادمی علوم روسیه، پروفیسور مارات ویکتور اوپچ باگلای، یوری ایوانوویچ لیبو و لو ماتوئیویچ اتین. مسکو، ۲۰۰۸، ص ۱۰۲۳).

توجه کنید که قلمرو مستقل اسرائیل، که در نتیجه جنگ ۱۹۴۹ (که توسط اکثر کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده است)، تقریباً ۲۰.۷۷ هزار کیلومتر مربع است که ۲٪ آن را آب‌های سرزمینی تشکیل می‌دهد. پس از جنگ شش روزه، مساحت کل قلمرو تحت کنترل اسرائیل، از جمله بخشی از اراضی تشکیلات خودگردان فلسطین، در حال حاضر ۲۷.۸۰ هزار کیلومتر مربع بود.

امروز مرزهای اسرائیل با مصر و اردن کم و بیش تعیین شده است. مرزهای اسرائیل با لبنان و سوریه به طور رسمی حل نشده است. با این حال، همانطور که تجربه نشان می‌دهد، اسرائیل در صورت لزوم، هرگونه توافق بین دولتی در مورد مرزها را براهتی کنار می‌گذارد. برای انجام این کار، سازماندهی یک تحریک ساده مرزی لازم است. اگر اسرائیل، آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل متحد را عنصر نامطلوب اعلام می‌کند، قوانین بین‌المللی چیست؟ سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ دولت یهود را به دنیا آورد و اکنون این کودک ناسپاس به روی پدر و مادر خود آق شده است.

برنامه‌های توسعه طلبانه اسرائیل را نه تنها از اسناد محرمانه می‌توان آموخت (مانند مواردی که کیسینجر در سال ۲۰۱۲ استفاده کرد)، بلکه همه این «اسرار» زیر نور آفتاب قرار دارد. برای مثال، در اینجا به افشاکاری‌های وزیر مالیه اسرائیل، بزلال اسموتریچ توجه کنید. استودیوی فرانسوی-آلمانی آرت رپورتاژ (Arte Reportage) اخیراً فلم مستندی به نام «در اسرائیل: وزیران هرج و مرج» ساخته است. در این فلم وزیر مذکور را می‌بینیم که می‌گوید: «من یک کشور یهودی می‌خواهم... که مطابق ارزش‌های ملت یهود عمل کند... نوشته شده است که آینده اورشلیم به دمشق گسترش خواهد یافت». در فلم صدائی در باره این گفته وزیر اظهار نظر می‌کند: «بزلال اسموتریچ یک دیدگاه افراطی از سرزمین موعود دارد که شامل تمام سرزمین‌های فلسطین و همچنین سرزمین‌های اردن، سوریه، لبنان، عراق، مصر و حتی عربستان سعودی می‌شود».

هر کسی می‌تواند بدون خواندن کتاب، روزنامه یا تماشای فلم از نقشه‌های توسعه طلبانه اسرائیل (و صهیونیست‌های پشت آن) مطلع شود. کفایت به اینترنت وصل شود و به لباس یک سرباز اسرائیلی نگاه کند. روی آستین لباس او علامتی است که نقشه فرضی اسرائیل بزرگ را نشان می‌دهد. این نقشه مناطقی از جمله بخش‌هایی از ترکیه، عربستان سعودی، مصر و همچنین ایران و کشورهای خلیج فارس را شامل می‌شود و تقریباً کل خاورمیانه را در بر می‌گیرد که بسیار بزرگتر از سرزمینی است که معمولاً فلسطین نامیده می‌شود.

اسرائیل حتی در دوران شکوفائی دولت افسانه‌ئی یهود در زمان پادشاهان [خیالی] داوود و سلیمان چنین سرزمین‌های وسیعی نداشت. برای صهیونیست‌ها این معنائی ندارد. آن‌ها به تاریخ قوم یهود و اسرائیل اهمیت نمی‌دهند. آن‌ها برای حکمرانی بر جهان تلاش می‌کنند. اول - خاورمیانه و سپس کل بشریت.

ضمناً، بسیاری از سیاستمداران و مقامات دولتی این جاه‌طلبی‌های به اصطلاح «یهودیان» را بخوبی درک می‌کنند. و برخی‌ها امروزه به نامیدن هر چیز به نام خاص خود شروع کرده‌اند. من تازه از ترکیه برگشته‌ام. در آنجا احساس کردم

که به مطبوعات محلی «چراغ سبز» داده شده است تا صادقانه و صریح درباره علل و پیامدهای احتمالی جنگ کنونی در خاورمیانه بنویسند. ترک‌های شایسته و تحصیل‌کرده (که من فرصت برقراری ارتباط با آن‌ها را داشتم) بخوبی می‌دانند که اسرائیل یک تصادف نیست، بلکه نتیجه برنامه‌ریزی‌شده دو جنگ جهانی است. دلیل این که آتش جنگ جهانی سوم اکنون در حال شعله‌ور شدن است، این است که صهیونیست‌ها به اسرائیل بزرگ نیاز دارند و این یک تهدید مستقیم برای ترکیه است. لازم به ذکر است که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه پیش از این چندین بار در باره این تهدید سخن گفته است. وی خاطر نشان کرد که هدف بعدی اسرائیل پس از غزه و لبنان می‌تواند «سرزمین‌های ترکیه» باشد. رئیس‌جمهور ترکیه در جشنواره هوانوردی، فضاء و فناوری در فرودگاه آدانا شاکرپاشا در ۵ اکتوبر اظهار داشت: «اسرائیل نقشه مؤذیان‌های را دنبال می‌کند که به نوار غزه، کرانه باختری و لبنان محدود نمی‌شود. برای درک هدف نهایی اسرائیل لازم نیست پیامبر باشید. هرکس که تاریخ را به طور کلی بداند، تاریخ ادیان، سیاست و دیپلماسی را بداند، براحتی ارتباط با بیت‌المقدس، مسجد الاقصی و توهم سرزمین موعود را خواهد دید. ما بسیار خوب می‌دانیم که سرزمین موعود چیست. آن‌ها به معنای واقعی کلمه وارد مسابقه برای به نبرد فراخواندن ترکیه شده‌اند. دولت فعلی اسرائیل با هر بیانیه و هر کارتی که به نمایش می‌گذارد، نیت واقعی خود را آشکار می‌کند».

اردوغان در کنفرانس اخیر درباره آینده فلسطین در انقره گفت که دولت نامیدن اسرائیل اشتباه است. به باور او هیچ کشوری بدون مرز وجود ندارد. اردوغان یادآور شد که در هفتاد و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد موضوع مرزهای اسرائیل را مطرح کرد، اما پاسخی نگرفت. اگر هنری کیسینجر در بهترین سال‌های زندگی‌اش نتوانست مسأله مرزهای اسرائیل را حل کند، اردوغان با توجه به وضعیت کنونی سازمان ملل، حتی از این هم ناتوان‌تر است.

اردوغان بارها بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر کنونی اسرائیل را «آدولف هیتلر جدید» خوانده است. رئیس‌جمهور ترکیه واقعاً امیدوار است که «آدولف هیتلر جدید» درست مانند اولین رهبر رایش سوم، شکست بخورد. هیتلر و فاشیسم در سال ۱۹۴۵ شکست خوردند. اما المان زنده ماند. این که اسرائیل از آشفتگی کنونی جان سالم به در خواهد برد یا نه، یک سؤال بزرگ است. **کیسینجر معتقد بود که جان سالم به در خواهد برد.**

مأخوذ از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۴ آبان- عقرب ۱۴۰۳

*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل پشت‌صحنه